



شهر وند

روزنامه

شنبه ۶ شهریور ۱۳۹۵ | ۲۴ ذی القعدة ۱۴۳۷
27 Aug 2016 | سال چهارم | شماره ۹۳۰

رسانه فرهنگ خدمت داوطلبان ایرانیان

بیژن زنگنه وزیر نفت افشا کرد:

رسوب پول نفت ایران در جیب عده‌ای نامعلوم

۱۰ تا ۱۷ درصد پول فروش نفت به چین و کره جنوبی مفقود می‌شد

اسامی مخالفان سرمایه‌گذاری خارجی را فاش می‌کنم

۵ صفحه

ورزش

گفت‌وگو با امیر قلعه‌نویی
سر مربی تیم تراکتورسازی

به منصوریان فرصت بدهند



۱۸ صفحه

پرونده

به مناسبت اجرای نمایش
«رویای یک شب نیمه تابستان»

از جن و جنون



۱۱ صفحه‌های ۱۱ و ۱۰

سر مقاله

چرا فراموشکارند؟

برخی از فعالان سیاسی و رسانه‌ای نزدیک به دولت پیش‌یا خیلی فراموشکارند یا خود را به فراموشی می‌زنند؛ منظور ما از فراموشی سال‌های خیلی دور نیست، بلکه در همین سال‌های اخیر است. کافی است که سال ۱۳۹۱ را به یاد آورند، که چگونه قلب اقتصاد کشور در چهارراه استانبول به تپش افتاده بود و به قول خودشان امثال جمشید بسیم... نرخ ارز کشور را تعیین می‌کردند و طی آنسک مدتی، نرخ ارز تا چهار برابر افزایش یافت و ریال کشور ۷۵ درصد ارزش خود را از دست داد؛ در آن زمان قیمت‌ها لحظه‌ای بود. بسیاری از فروشندگان اجناس خود را نمی‌فروختند، چون می‌دانستند با پول دریافتی که شامل قیمت خرید و سود بود، نمی‌توانند همان کالا را دوباره بخرند و به مغازه بیاورند. در این شرایط کاسب‌های منصف ضرر می‌کردند؛ چنان‌که یک ماه پیش بود، نمی‌توانستند پول خود را بابت ۱۰۰ تومان و یا حتی ۲۰ درصد سود ۱۲۰۰ تومان می‌فروختند؛ اگر می‌خواستند دوباره همان جنس را بخرند، باید ۱۴۰۰ تومان می‌پرداختند. بنابراین چاره‌ای نداشتند جز این که ۵۰ درصد سود روی کالا بکشند و این بی‌انصافی بود؛ ولی چاره‌ناپذیر هم بود! اینجا بود که تورم بنیان اخلاقیات جامعه را نابود می‌کرد. در همان سال بود که تورم در دو سال پشت سر هم به بالای ۳۰ درصد رسید و بدتر این که تورم در کالاهای مورد نیاز طبقات فقیر تا ۶۰ درصد هم رسید.

مشکل فقط تورم نبود؛ زیرا در برخی از مقاطع تورم بالای ۱۵ و ۲۰ درصد هم بود و مردم و اقتصاد خودشان را با آن تطبیق می‌دادند و خلل عمده‌ای در کارشان پیدا نمی‌شد. مشکل دولت گذشته این بود که در طول حیات ۸ ساله خود هیچ‌گاه نتوانست ثبات و آرامش را به اقتصاد بیاورد؛ ثبات و آرامشی که به ویژه در دوره دوم اصلاحات نصیب اقتصاد شده بود با آمدن دولت پیش از میان رفت. آینده و رفتارهای آن دولت برای مردم و فعالان اقتصادی پیش‌بینی‌ناپذیر بود. دولتی که ابتدا با تثبیت قیمت سوخت و انرژی آمد و حدود ۵ سال قیمت‌ها را ثابت کرد و حتی برخلاف قانون مانع افزایش سالانه ۲۰ درصدی در قیمت سوخت شد و خسارت

پذیرش آگهی‌های روزنامه شهر وند:

۲ - ۰۰ ۶۵۶ ۴۴۹۵

www.shahrvand.agahiha@gmail.com

داوود رشیدی هنرمند پیشکسوت تئاتر و سینما در گذشت

آمدم، دیدم و رفتم

۱۴ صفحه

مراسم تشییع
زنده یاد داوود
رشیدی یکشنبه
۹ صبح از مقابل
تالار وحدت برگزار
می‌شودگفت‌وگوی
منتشر نشده
با
«داوود رشیدی»
را در همین صفحه
بخوانید

گفت‌وگوی منتشر نشده‌ای با «داوود رشیدی»

عمری که در صحنه گذشت

اگر این مردم نباشند چه کسی قدر هنر را می‌داند؟

رضا نامجو! برای درک جایگاهش کافی است کمال الملک، گل‌های داوودی، بی‌بی چلچله، خط‌آتش، هزار دستان، امام‌علی، گل پامچال، ولایت عشق و... را مرور کنیم و به منظره حکشده در چشم ذهن خیره شویم. تابلستان گرم امسال با مرگ او تلخ شد. داوود رشیدی که پرویز پرستویی او را یکی از پنج تن سینمای ایران می‌دانست پیش از آن که آرزوی دوست و هم‌دوره‌اش، استاد علی نصیریان برآورده شود از دنیا رفت.

همین چند روز پیش بود که استاد نصیریان با حضور در برنامه «خندوانه» آرزو کرده بود فیلمی با حضور عزت‌الله انتظامی، جمشید مشایخی، محمد علی کشاورز، داوود رشیدی و خودش ساخته شود و رامبد جوان هم قول داده بود این کار با همکاری او و دوستانش به ثمر بنشیند، اما دیگر بازی به انتظار نیست. این اتفاق هرگز نخواهد افتاد. در روزهایی که داوود رشیدی، هنرمند شناخته‌شده کشورمان زنده بود، با همسر مهریانش احترام برومند فراری گذاشتم

برای دیدار و گفت‌وگو. همان روزها هم برای پاسخ گفتن به بسیاری از سوالات خاتم برومند استاد را برای می‌کرد. داوود رشیدی در بخشی از این هم‌نشینی به این که یک‌بار مردم آن قدر از شوق دیدنش ذوق زده شده بودند که کم‌کم مانده بود زیر دست و پاله شود اشاره کرد. خندید و به داشتن چنین مردمی افتخار کرد. پیش‌منتشر نشده‌ای از آن دیدار پیش‌روی شماست:

اگر بخواهید برشی از به یادماندنی‌ترین روزهای دوران کودکی و نوجوانی خودتان را به خوانندگان این گفت‌وگو را به‌دهید، از کجا شروع می‌کنید؟

عشق به تئاتر و هنر نمایش و از روزهایی که با پسر عمه‌ام در فرانسه می‌رفتم به دیدن نمایش‌هایی که روی صحنه بود، شروع می‌کنم. بارها گفته‌ام زمینه آشنایی من با هنر نمایش به واسطه آشنایی بود که با آقای عبدالحسین نوشین پیدا کردم. در آن روزها ۶-۷ سال بیشتر نداشتم و زیبایی صحنه، حضور بازیگران، کارهایی که برای آماده شدن انجام می‌دادم و تمام آن حس و حالی که هنوز هم بعد از گذشت این همه سال در وجودم هست، مرا عاشق تئاتر کرد.

چراغ‌هایی که سراسر سالان را روشن می‌کرد و باز و بسته شدن پرده‌های نمایش، شور و شوق خاصی در درونم ایجاد کرد. بعدها که برای ادامه تحصیل اول به بروکسل رفتم و بعد از تحصیل در دوران دبیرستان، دیپلم‌م را در فرانسه

زنجبیل داوود رشیدی در نمایش از سرال‌هازار ساخته رنده‌های علی‌علی قاضی



گزارش

دیدار دوباره جوانان هنرمند
افغانستانی با ایران

بازگشت شیرین

۷ صفحه

جامعه

دلایل تمایل ایرانی‌ها به لباس‌های
تیره که از قدیم به ارث مانده است

تیره پوشان اندوه‌گین

۱۷ صفحه

شهر وند حقوقی

بررسی چالش‌های قانونی و اجرایی
موجود در برابر گزاری کنسرت

سازهای بی‌نوا

۸ صفحه

شهر ونگ

در صفحه

شهر ونگ

امروز بخوانید

- هدف گذاری برای صادرات ۵۰ میلیارد دلاری (مغزها)
- تا پایان سال جاری
- شماره ۱۹



۱۹ صفحه

جامعه

جزییات فعالیت متکدیان تهران
اعلام شد

پشت پرده «تجارت سیاه» در پایتخت

۱۶ صفحه

حوادث

پایان زندگی سر باز حادثه‌نی‌ریز

وداع با آخرین سرباز نی‌ریز

اعضای بدن تکنیسین اورژانس
شهرک‌دها شد

آخرین عاشقانه یک امدادگر فداکار

۱۵ صفحه

اقتصاد

طیب‌نیا:

نفت سر سفره روزگار مردم را سیاه کرد

۴ صفحه

سیاست

آغاز هفته دولت با حمله به «دولت»

منتقدان دولت اظهارات تند و تیز خود
را در هفته دولت شدت بخشیدند

۲ صفحه

نگاه

بررسی نمایش آسیب‌های اجتماعی
در رسانه‌های تصویری

سکانس‌های رنج

۱۲ صفحه